

MARVEL

7

LGY#714

AVENGERS

NO ROAD HOME



AL EWING • MARK WAID
JIM ZUB • PACO MEDINA
JUAN VLASCO • JESUS ABURTOV

RATED T+

**THE
HYBORIAN
AGE**

SCARLET WITCH



WANDA MAXIMOFF

CONAN



**OMNIPOTENCE
CITY**

HERCULES



SPECTRUM



MONICA RAMBEAU

VISION



VOYAGER



VA NEE GAST

**NIGHTMARE'S
REALM**

THE HULK



BRUCE BANNER

ROCKET RACCOON



HAWKEYE



CLINT BARTON

**THE
CHILDREN
OF NIGHT**

NYX



MOTHER OF NIGHT

HYPNOS



GOD OF SLEEP

APATE



GODDESS OF DECEIT

DOLOS



GOD OF TRICKERY

OIZYS



GODDESS OF MISERY

من دیگه
شب ها خوابم
نمی بره.

ولی هنوز
خواب می بینم.

نه!

شدیزار.

فکر کنم
این برای من
باشه.

بیا پیشم
تکه روح و به من
یاد بده چطور باید
رمز گشاییت کنم.

و قدرتی که
ز نوی دزدید
پس بگیرم.

تصاویر ذهنی.
افکار شفافی که
نمی تونم کامل از
شرشون خلاص بشم.

بعضی وقت ها در مورد تمام
نور موجود در جهان هستی
فکر می کنم. تمامی اون اشعه ها
و امواج و ذراتی که همگی در
سفر بینهایت خود هستند.

یا بدمت
به...

به...

...

ولی
با تو چکار
کنم که اینقدر
مشکلات برام
تراشیدی؟

آیا باید تو رو
خوراک اویزیس کوچکتین
فرزند خودم کنم؟

و از خود می پرسم
آیا مثل من
هستند یا نه.

و اینکه آیا اونجا
زمانی انسان بودند.



دوقلوها...؟

ببین. من قبلاً
انسان بودم. ولی
دیگه نیستم.



من سننیت
ریدیشن هستم.

همه چیزهای موجود
در طیف الکترومغناطیس
و چیزهای اطرافش.



کونان؟ چه اتفاقی
داره می افته؟

من...
نمی دونم...

اشعه های گاما.
نوترون ها.
الکتروسیته.

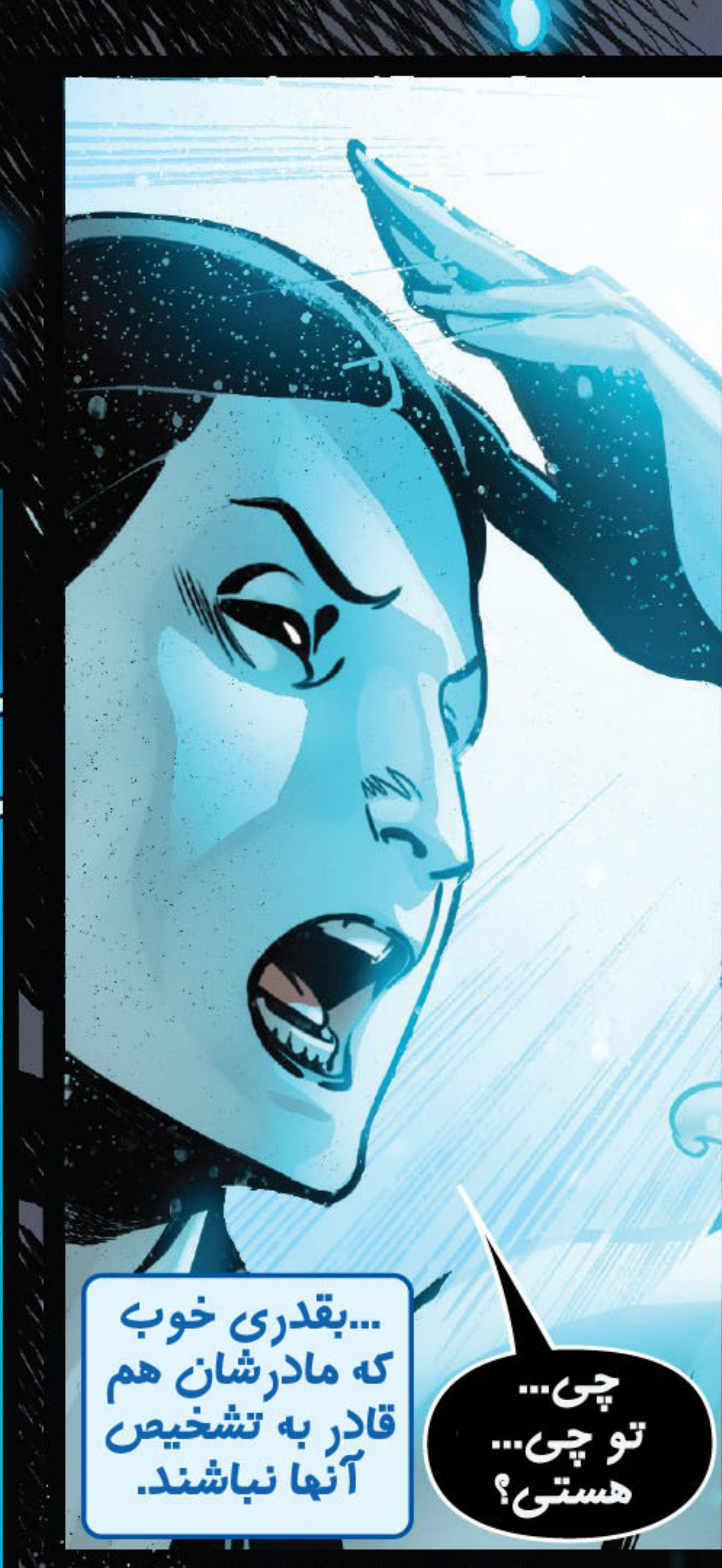


نور مرئی.

و من قادرم به این نور شکل
دهم. و آنها رو به هولوگرام هایی
از کسانی که می شناسم
تبدیل کنم

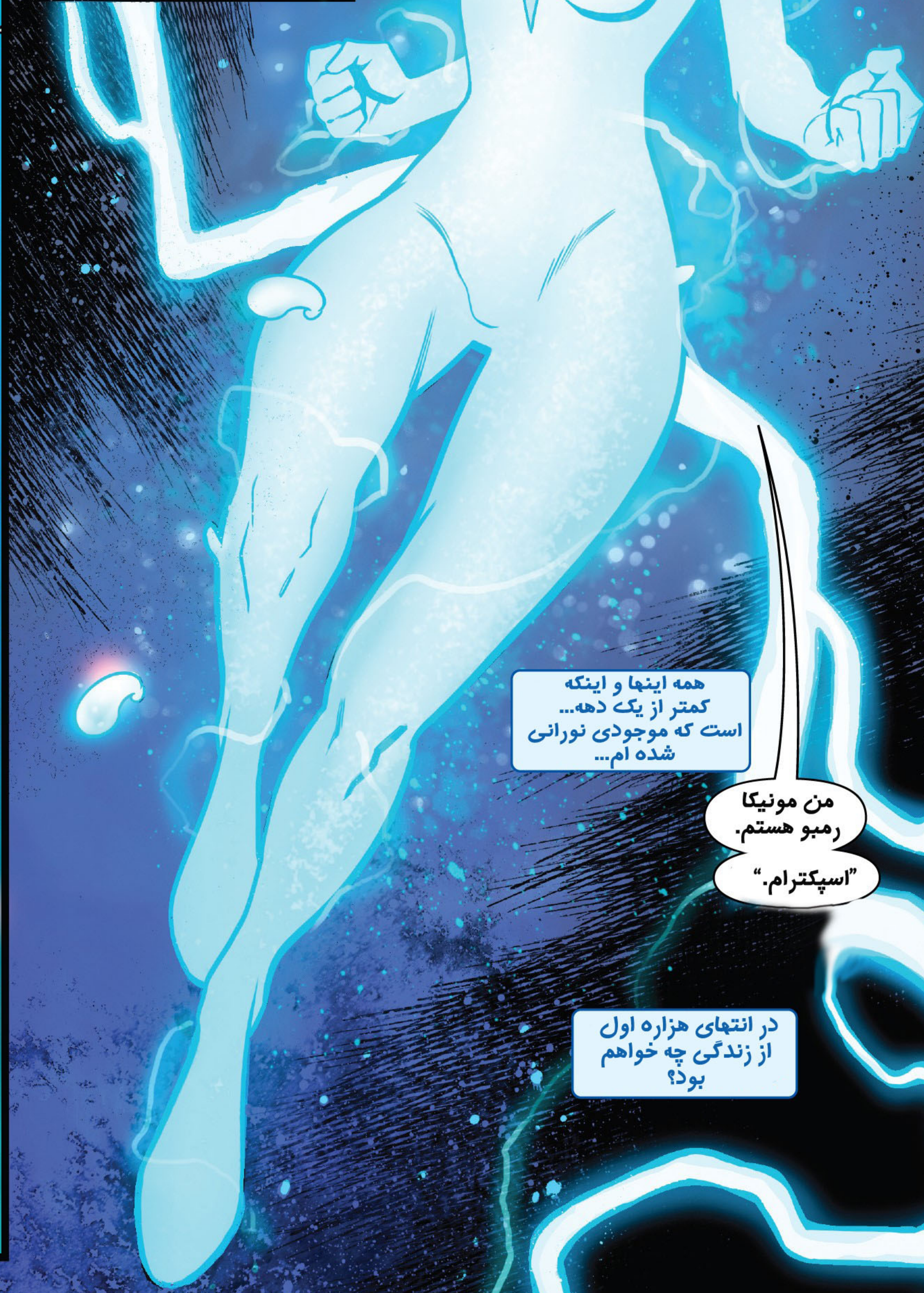


پوسته ای از نور زنده که
دوستانم را بصورت دشمنانم
نشان می ده...



...بقدری خوب
که مادرشان هم
قادر به تشخیص
آنها نباشند.

چی...
تو چی...
هستی؟



همه اینها و اینکه
کمتر از یک دهه...
است که موجودی نورانی
شده ام...

من مونیکا
رمبو هستم.
"اسپکترام."

در انتهای هزاره اول
از زندگی چه خواهم
بود؟



منتظر زمانی مناسب تا انتقام بگیرم.

ولی اگه زنده بمونی... تکلیف...



و منتظر او تا متوجه بشه...

...بچه های من...



...که چه عمل شنیعی انجام داده وقتی که دوستان منو کشته.

هرگز عادت نداشتم نگران چنین چیزی باشم. ولی الان... خوب مثالی می زنم.

اگر می دونستم که ورود بزرگه نیکس تا به این اندازه مرگه و میر را بدنبال می داشت، زودتر دست به کار می شدم و از اون جلوگیری می کردم.

ولی الان که این اتفاق افتاده؟ من منتظرم.



نه! ای شیطان... من تو رو نابود می کنم... تو وادارم کردی...

پس با عصبانیت حمله می کنه... بدون اینکه فکر کنه... وگاردش باز می شه.

من درد یک مادر رو به یک استراتژی تبدیل کردم.



من به کاری وادارت نکردم.

گاهی اوقات از سنگدلی خودم خوشم نمیداد.

سخت مانند
تشعشع.

خودت این
بلا رو به سرت
آوردی!

در مورد این فکر کرده
بودم... یک گلوله جادویی
قدرتمند.

اگر امواج ماورا، بنفش
امواج مرئی و مادون قرمز
رو با هم ترکیب کنم چیزی
برابر برون داد خورشید می شه...

...و نور صبح حاصل
می شه.

نور خورشید؟
از نور
خورشید علیه
من استفاده
می کنی؟

بچه احمق
من خوت آشام
نیستم که نور به
ستاره اونو به زانو
در بیاره!

سیاهی
شب هزاران ستاره
و ماه رو در غبار خودش
نگه می داره...

UNNH--

...که
نور رو منعکس
می کنه... و از
قدرتش کم
می کنه!

ماه و سپر
اون...

لعنتی... چند سال اخیر
رو به جنگ با تهدیدهای
کیهانی گذروندم...

...و فراتر از گروه های عادی، با
خدایان فضایی مجهز به علوم
فراتر از علم...

...ولی این
جادوئه، نه
علم.

مونیکا...

راهکار اون
شکست خورد...
ما نباید ببازیم!

حمله کنید!

و این یعنی
قوانین رو بلد
نیستم...

قلمرو کابوس

...اگر قانونی باشه.

خوبه
داره سرگرم-
کننده
می شه.

ولی من
از مهمون خوشم
نمیاد. قربانی رو
ترجیح می دم. پس
وقتشه که برید.

با احیای
انرژی خودم، می تونم
یه پورتال به هر کدوم
از دنیاهای بیداری بزوم.
می تونم شما رو هر جا
که خواستید بذارم.

در اینصورت
دینی به شما
نخوام داشت.
بله؟

عالیه. ما رو بذار نزدیک یکی از
گنبدهای قصر قماربازی گرانتس تو
ستاریکان؟

من آژیرها رو
از داخل قطع می کنم...
بعد سیستم ورودی ها...
چند تا انبردست لازم دارم
یه کم سولفید هیدروژن و
یه جفت گوش
مصنوعی...

می تونی
در زمان خودت
به گازینوها دستبرد
بزنی راکت.

ما باید واندا
و دیگران رو پیدا
کنیم... پس هر جا اونها
رفتند، باید بریم...

یوفوریا.

هاه؟



این یه
دنیای سنتینه
(جانداره)
با همه

خیلی خب رفتار
می کنه... و رویاهاشونو
به حقیقت تبدیل می کنه.
جای سرگرم کننده ای
برای ملاقاته، مکه
نه؟

اعتراضی داری؟



می خواهی
بری تعطیلات؟

الان؟

می توئم
یه زنگ تفریح
برم. چند روز اخیر
سخت گذشته.

اگه راستشو
بخواهی هر جایی
که بعد کابوس
نباشه برام خوبه...



به نظرم
شما رای اونها
بیشتره آقای بارتون.
پس مقصد یوفوریا...
هولناکه.
بزن
بریم...

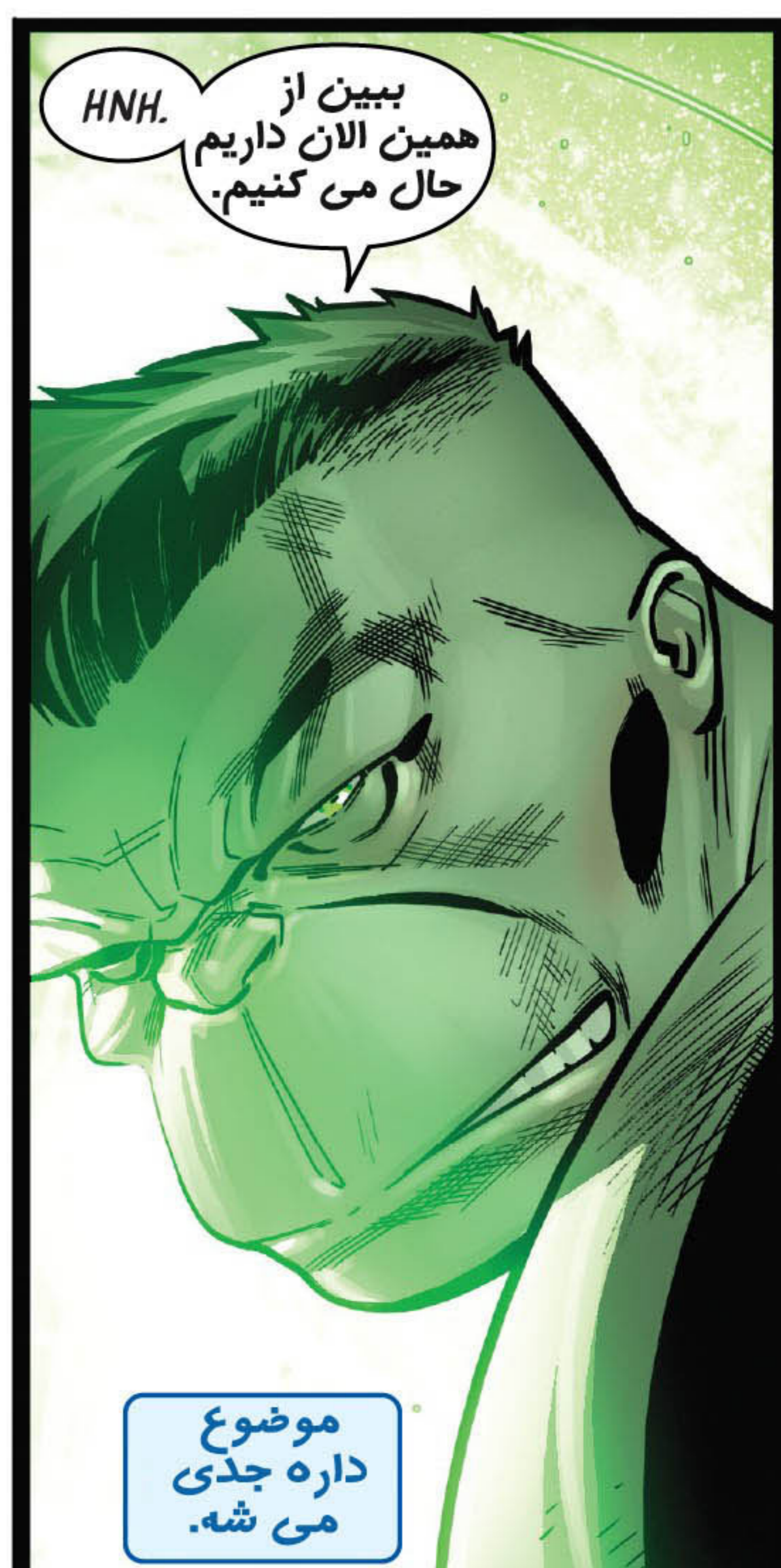
باور نکردنیه.
باشه.
منم بذار تو
لیست.



چون من
نمی دونم تو
چطور از این یوفوریا
اطلاع داری. ولی من اون
طرز نگاه رو می شناسم.
می دونم نقشه هایی تو
سرته.


و وقتی
بفهم اونها
چی هستند...

برای ساکت
کردنت به یه
تیر گامایی دیگه
نیاز ندارم



HHH.
همین الان داریم
حال می کنیم.

موضوع
داره جدی
می شه.



همه امیدی که برای
استفاده از سرعت، کنترل
و حملات ناگهانی به نفع
خودمون داشتیم...

...خیلی وقته از
بین رفته.

وقتی خدایان با هم می جنگند
اوضاع بدی پیش میاد.

CRASH



نگران
نباش و اندا...
گرفتمت!

مونیکا؟!
صدای تو رو شنیدم
ولی نفهمیدم چه
اتفاقی افتاد...

او هنوز کوره.



حال ویژن
خوبه؟
بقیه با
تو اند؟

اون صدای لرزانش
وقتی از حال ویژن
می پرسه...

شرایط فعلی اونها هر
چی باشه هنوز بینشون
ارتباطی هست.

هنوز زنده است
اگه منظورت اینه. همه
ما فعلا یه کم شکننده
شدیم.



واندا خیلی درد کشیده
و من نبودم که کمکش
کنم.

ازت می خوام
اینجا بمونی...

نه! نمی خوام
وقتی می جنگی
من تو حاشیه
باشیم!



از عصبانیت داره به
خودش می پیچه. قبلاً
وقتی به حرفش گوش
نمی کردم... تا این حد
احساس گناه نمی کردم...

من یه
انتقام جو هستم
مونیکا! منو کنار
ندار!

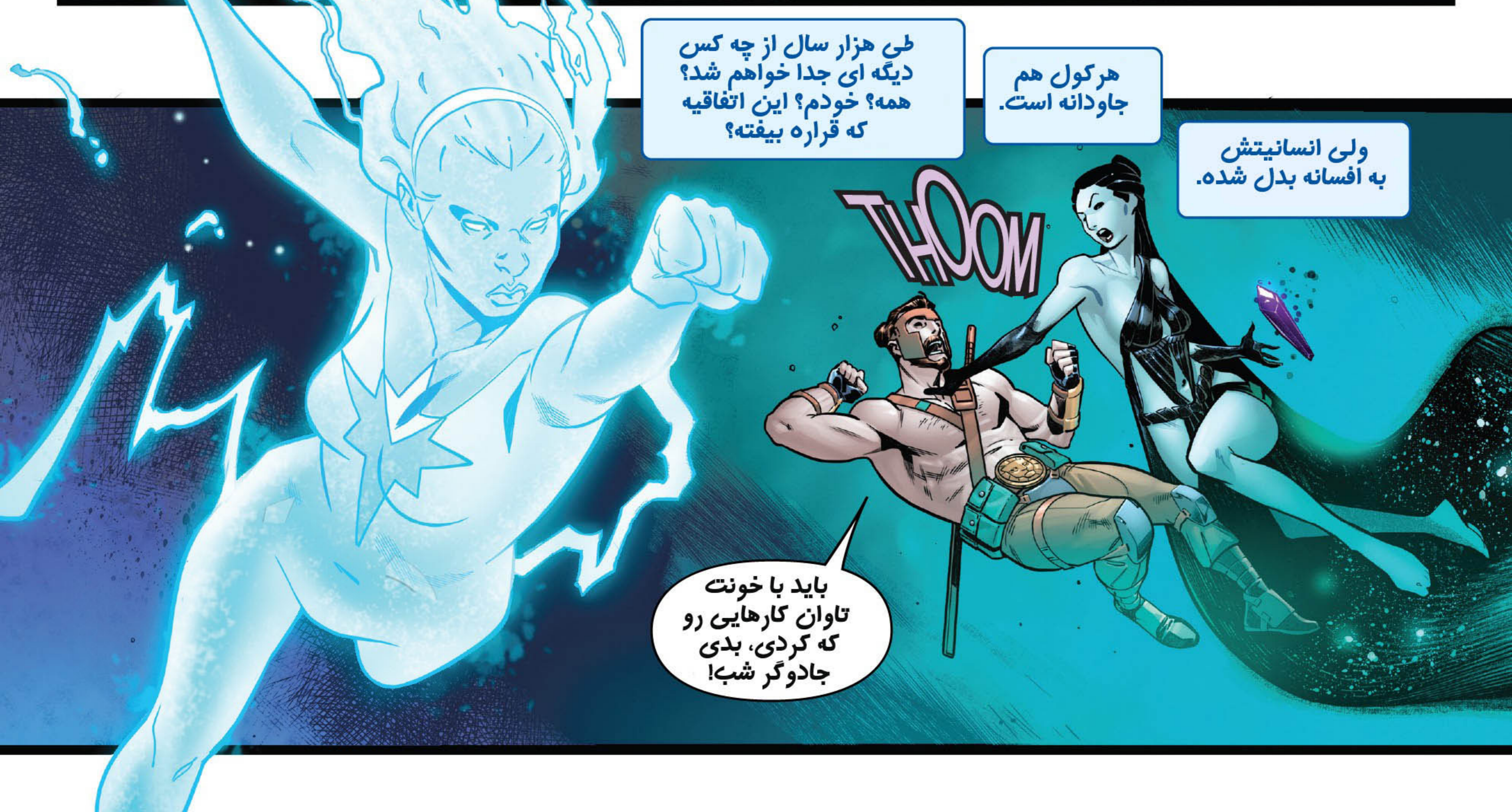


الان رها کردنش
اینجا تنها... یه
استراتژی.

ما نمی تونیم
ریسک کنیم.

نه!

آیا داریم از هم دور
می شیم؟ یا نشانه ای
از یه چیز بدتر؟



طی هزار سال از چه کس
دیگه ای جدا خواهیم شد؟
همه؟ خودم؟ این اتفاقیه
که قراره بیفته؟

هرکول هم
جاودانه است.

ولی انسانیتش
به افسانه بدل شده.

باید با خونت
تاوان کارهایی رو
که کردی، بدی
جادوگر شب!

پس فقط
منم؟

من تسلیم
نمی شم تا...
زرک!

در گذشته ها فکر
می کردم که درگیری
فیزیکی در شأن من
نیست.

ولی من
اشتباه می کردم.
نیمه خدا.

NNNN--!

کشتن
زئوس خیلی
لذتبخش
بود.
و کشتن
تو هم به همون
حد...

N'GAHH!

واندا؟

من هنوز
بی مصرف نیستم
لعنتی...

حرکت خوبی
بود اسپکترام!

دوباره بگرد
و منو به سمت ملکه
تاریکی پرت کن، تا به
پودر تاریکی تبدیلیش
کنم!

سی... سی... سیک...
سیکل فاز متناوبه. سیس... سیستم
ناپایداره.

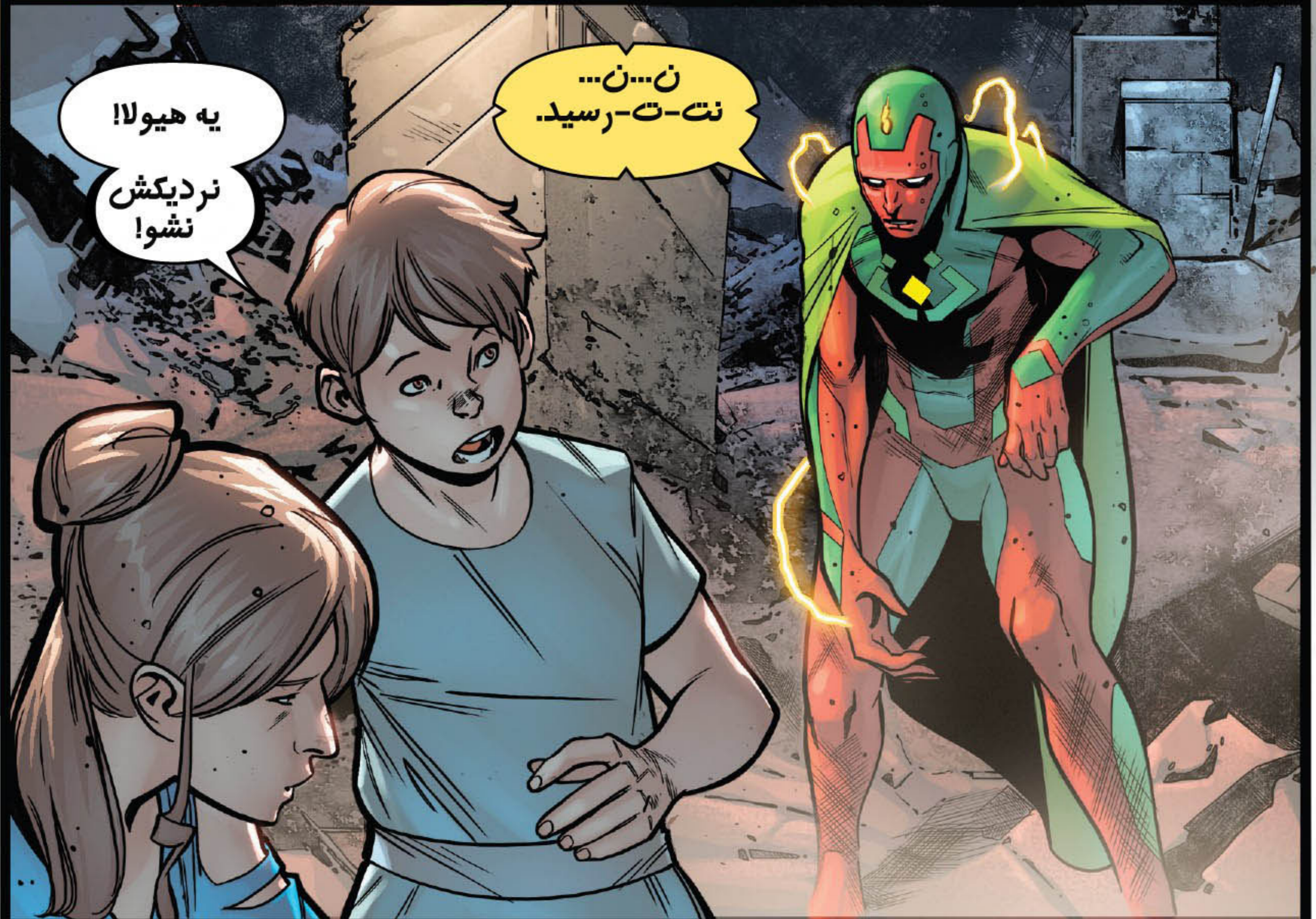


و-و-وضعیت
غیر جنگی... زیر...
آ-آ-آوار گیر
افتادم.
راه حل
پ-پ-پیشنهادی
برش... و پاکسازی
ب-ب-بخش
ویران شده...

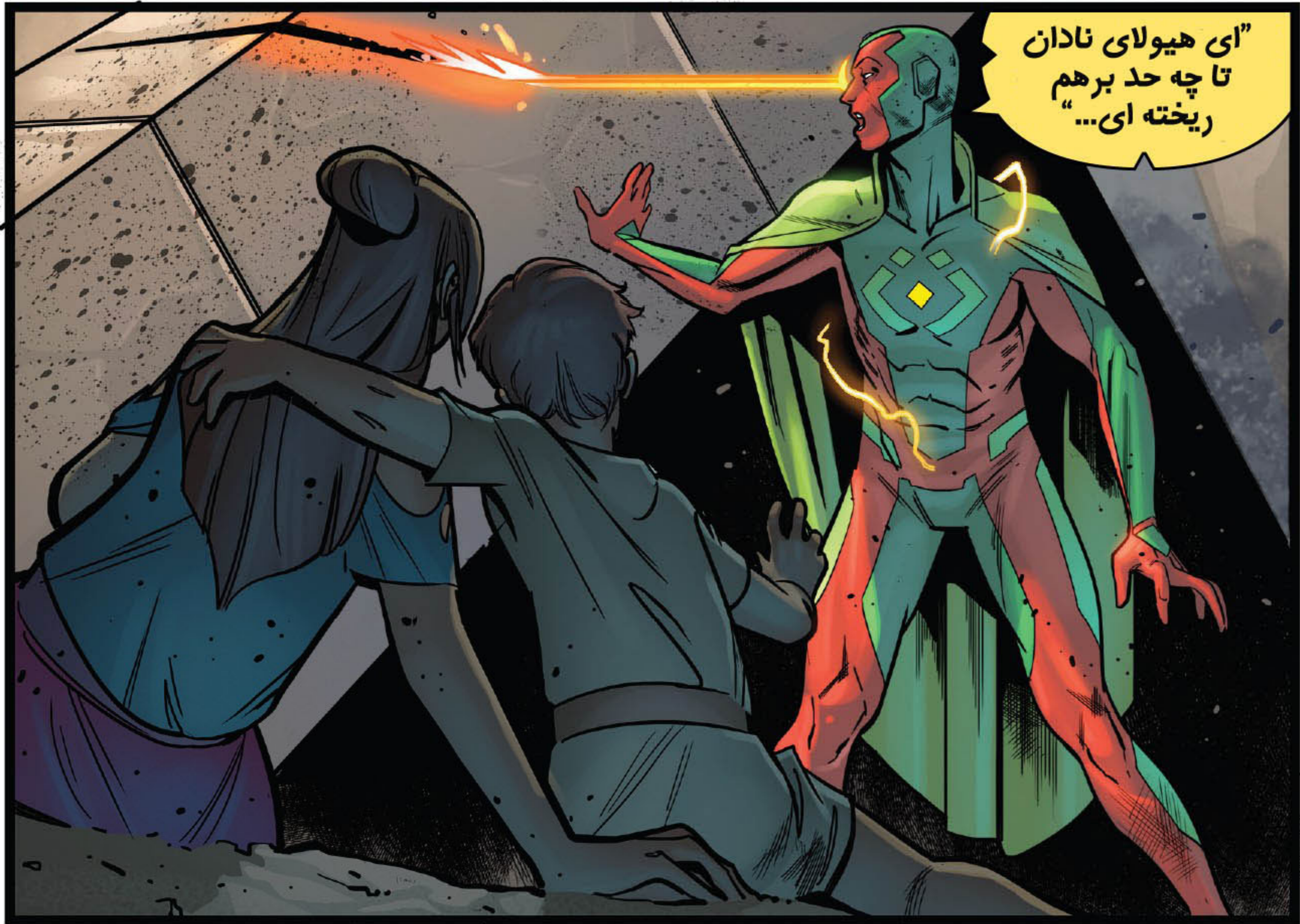


یه هیولا!
نزدیکش
نشو!

ن...ن...
نت-ت-رسید.



"ای هیولای نادان
تا چه حد برهم
ریخته ای..."

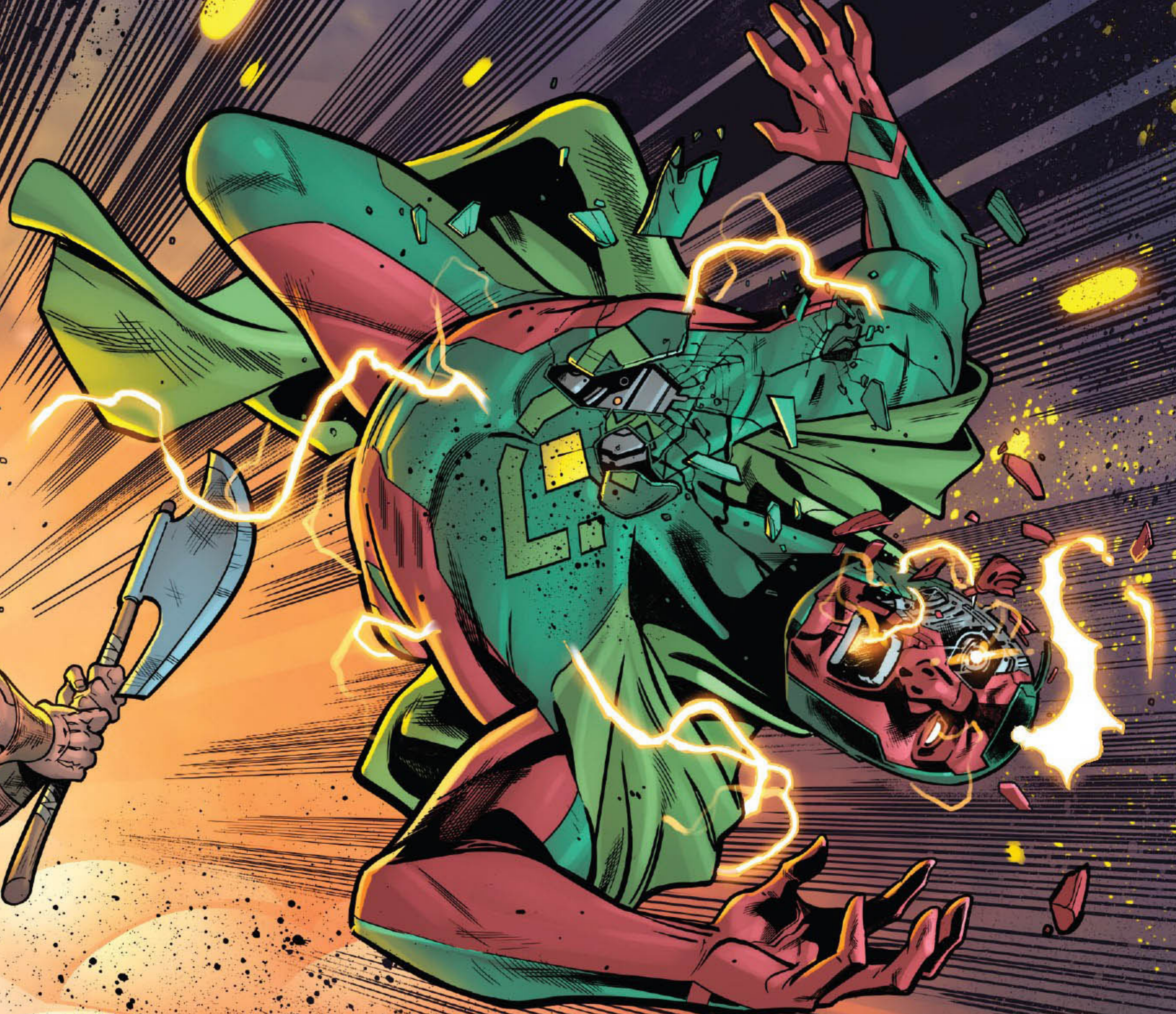


تو چی
هستی؟

؟ه



شاید دارم از
همه دور و جدا
می شم.



یک نوع شیطان
آهنین؟

هر چی
باشی نمی دارم
جلوتر بری.



شاید درکم از انسان
بودن رو از دست می دم.

ن-ن-ن-ن
نجاتشون بده...

ل-ل-
لطفا.....



ولی هنوز
کار ناتمومی
دارم...





...چون من مثل این
احمق نیستم.

تو چه
غلطی
کردی!؟

جادوگرها
گالم ها و حالا
هم ارواح!

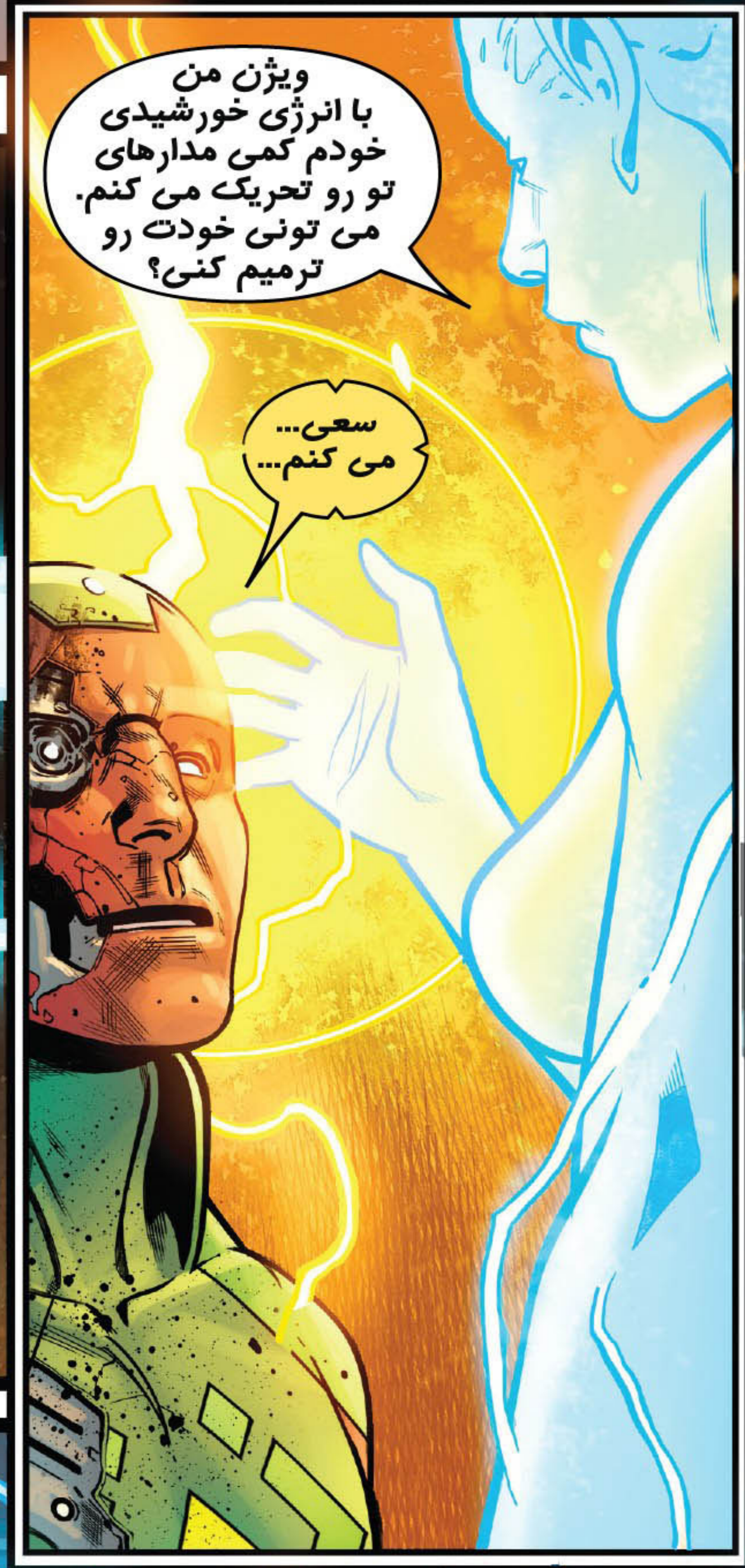
اینجا چیزی
پیدا می شه که
تیغ یک انسان بتونه
زخمی اش کنه؟
فقط باید اونجایی که
من دوست دارم
بمیرند؟



بلیت تو
گور خودش آروم
گرفته... و تو جادوگر
همه ما رو مسخره
می کنی...

کافیه.
اونو اون بالا
می بینی؟ اون
هدف توئه!

و اگه نتونیم
متوقفش کنیم
همه می میریم!



ویژن من
با انرژی خورشیدی
خودم کمی مدارهای
تو رو تحریک می کنم.
می تونی خودت رو
ترمیم کنی؟

سعی...
می کنم...



منو ببخش
ای روح... در دل
من آندوهی
موج می زنه.

ضعفی که باعث
می شه تمام دنیا
رو دشمن خودم
بدونم...

"آیا من با عزیزترین
دشمنم در آسمان ها
دیدار خواهم کرد یا اصلاً
چنین روزی خواهد بود..."

اینکه با واندا رفتاری
مثل رفتار با گلِس داشته
باشم در حالیکه پادشاه
از خوراضی جنون زده بشه
علامت اینه رهبری من از کار
افتاده شده.



ولی عصبانی کردن
نیکس حرکت درستی
بود. تمرکزش رو از اون
سنگ به سمت ما منحرف
می کنه.

البته این عصبیت
می تونه ما رو به کشتن
بده...



...یا بدتر.

KRPAK

لحظه ای که سنگ
بشکنه ضربشو به
من می زنه.



البته.

اون سنگ در
درونش قدرتی نهفته
داره.

هر کسی اون سنگ
رو بشکنه قدرت
درونش رو آزاد می کنه.



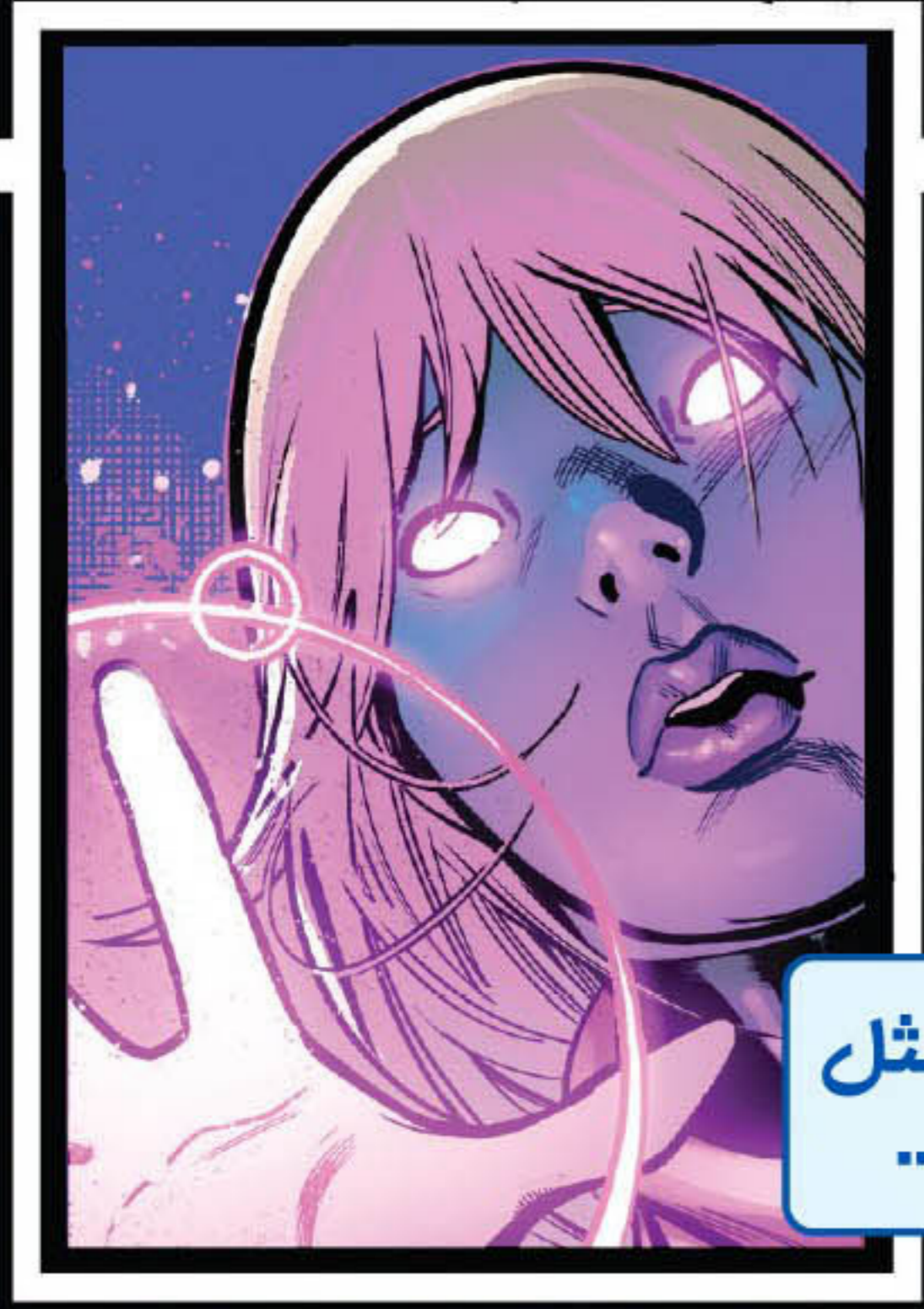
...و قدرت
نصیبش می شه.

ولی این موضوع
رو به لحظه بعد از
انجام این کار دیدم...
چون با وجود همه چیز...

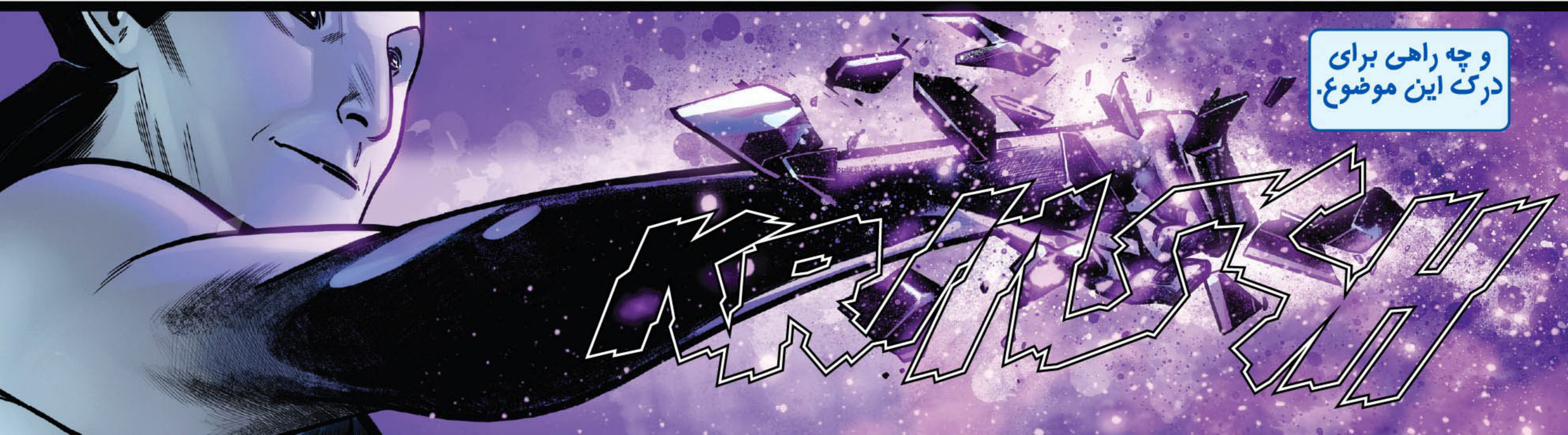


...هنوز مثل یه انسان
واکنش نشون می دم...

ویبجرا!



...و اون مثل
یه خدا...



و چه راهی برای
درک این موضوع.





اون چیه؟
چی دیدی؟



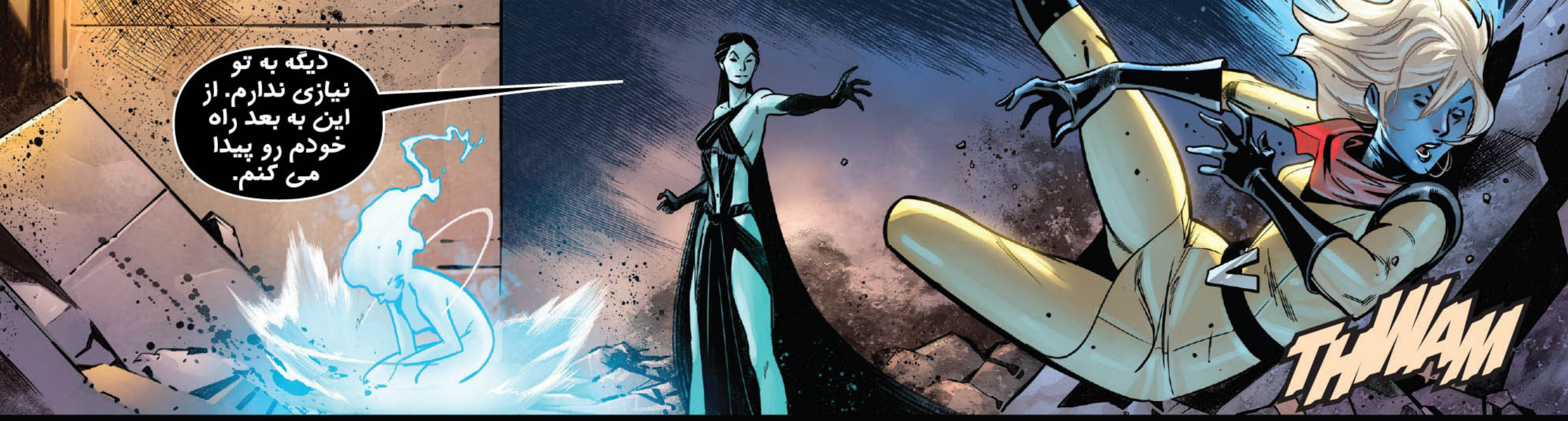
هرگز
نخواهی دونست.



BOOM
CRASH!



تو فقط یک
انسانی.



دیگه به تو
نیازی ندارم. از
این به بعد راه
خودم رو پیدا
می کنم.



انتقام جویان...



HNNGH!



تو هنوز
کمی از جادوی
منو به همراه
داری درسته؟



پسش
می گیرم.

EXPLOSION!

دختر خوبی باش.

کارهای مادرو تا کار بعدی رو انجام می دم.

با کمان

با کمان میل

با کمان میل



کمک...

کمک
ویبجر...

MONICA!



واندا آسیمی دیدی؟

یه لحظه عذاب آور بود. ولی تموم شد.

دیگه کور نیستم...



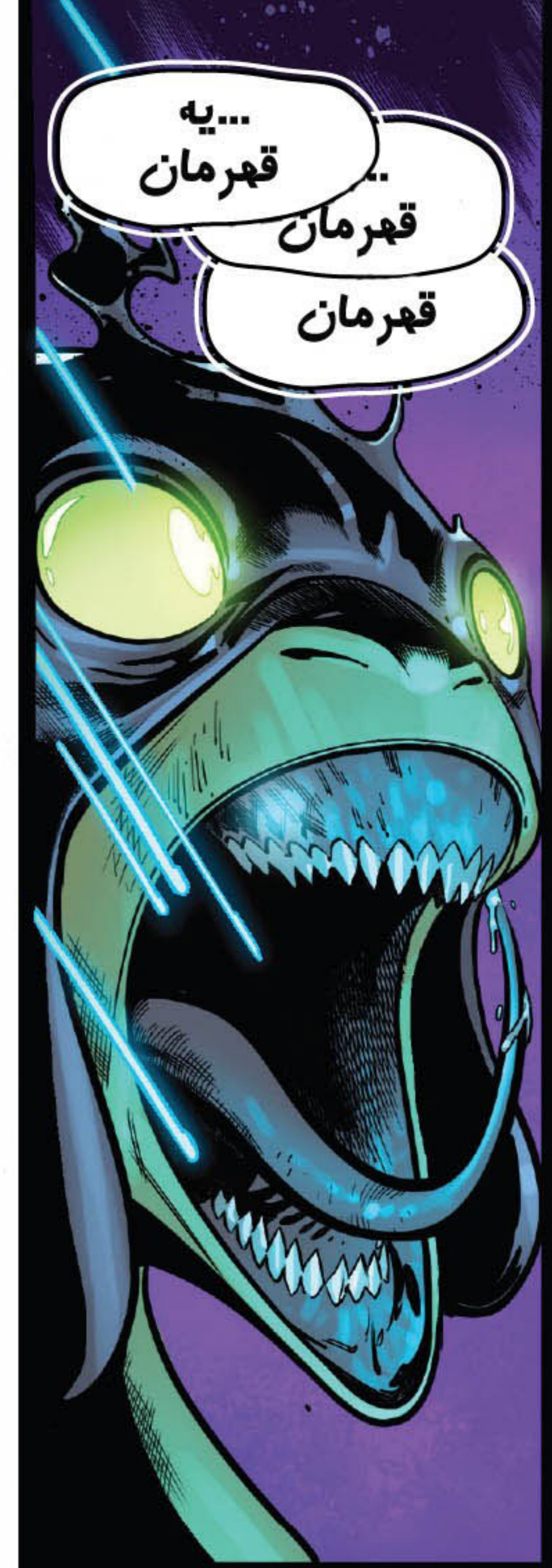
...ولی مطمئن نیستم که این یه نعمت باشه!

اویزیس...



اون...
داره از مردم
بیگناه تغذیه
می کنه!

و از
نامیدی اونجا...
و
نامیدی اونجا...
و
نامیدی اونجا...



یه...
قهرمان
قهرمان
قهرمان



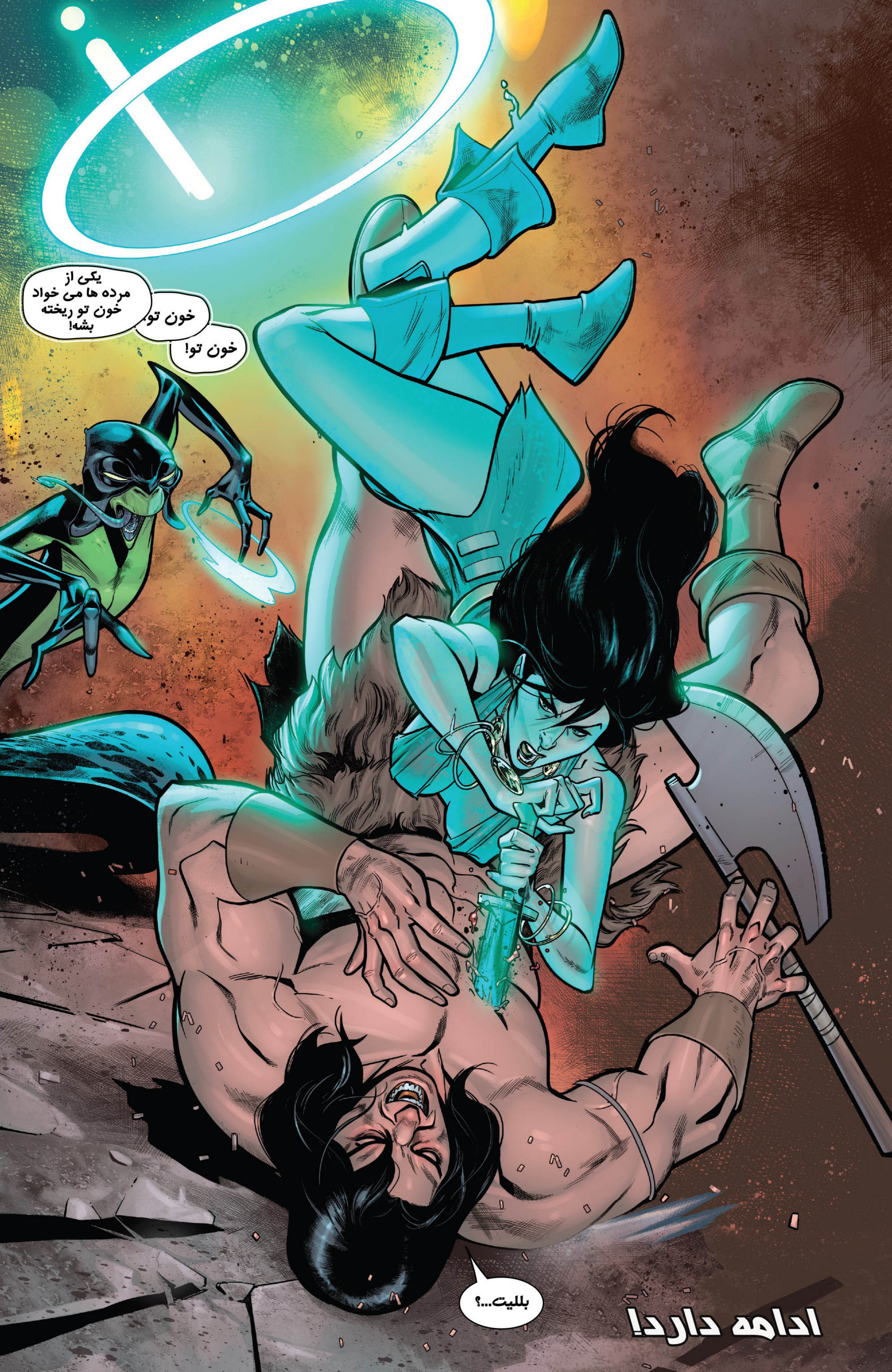
چه نوع
قهرمان...
کافیجا

پشت هر
هیولای فراموش
شده ای که پنهان
شده باشی...

...به کروم
قسم می کشمش!



اوه آره
مرده...
اوه آره
مرده...
اوه
مرده...



یکی از
مرده ها می خواد
خون تو ریخته
بشه!

خون تو
خون تو!

بللیت...؟

ادامه داردا